



آیا امام زمان (عج) همسر و فرزندی دارند؟ / ۳۰ ملازم حضرت ولی عصر

یکی از مسائلی که در حوزه مباحث عمومی مهدویت است و موضع ما نسبت به آن هر چه باشد، به اصل مطلب ضرری نمی‌رساند، این است که آیا امام عصر همسر و فرزند دارند یا نه؟

یکی از مسائلی که در حوزه مباحث عمومی مهدویت است و موضع ما نسبت به آن هر چه باشد، به اصل مطلب ضرری نمی‌رساند، این است که آیا امام عصر همسر و فرزند دارند یا نه؟

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر جلسه چهل و سوم از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

یکی از مسائلی که در حوزه مباحث عمومی مهدویت است و موضع ما نسبت به آن هر چه باشد، به اصل مطلب ضرری نمی‌رساند، این است که آیا امام عصر همسر و فرزند دارند یا نه؟

در جلسه قبل عرض کردیم که در این مسئله چهار نظریه وجود دارد. قول اول این است که امام ازدواج کرده اند و دارای فرزند هستند. قول دوم این است که امام ازدواج نکرده اند. قول سوم این است که امام ازدواج کرده اند ولی فرزند ندارند. برخی نیز نسبت به این مسئله سکوت کرده اند. چون فایده ای در آن وجود ندارد.

قول اول را در جلسه قبلی کامل بحث کردیم. قول دوم که می‌گوید امام همسر و فرزندی ندارد به شش نوع دلیل استناد کرده است. همان دلایلی که برای قول اول بیان شد برای قول سوم نیز قابل استناد است.

اول اینکه می‌گویند ازدواج و صاحب اولاد شدن امام با یکی از مهمترین فلسفه های غیبت او که خفا و شناخته نشدن امام است، سازگار نیست. زیرا کسی که ازدواج می‌کند و صاحب فرزند می‌شود، مورد شناسایی خانواده اش قرار می‌گیرد و این با غیبت و خفاء ناسازگار است.

ما روایاتی داریم که بر غیبت کامل امام دلالت می‌کند. مثل فرمایش امام صادق که فرمودند «صاحب هذا الأمر تعمی ولادته علی هذا الخلق لئلا یکون لأحد فی عنقه بیعة إذا خرج». یعنی ولادت صاحب الأمر به این دلیل بر خلق پوشیده است تا چون ظهور کند بیعت احدی بر گردنش نباشد.

لذا ولادت حضرت را مخفی کرده اند، چه برسد به بحثی مانند ازدواج. چون نباید کسی به امام دسترسی پیدا کند.

امام در فرمایش دیگری می‌فرمایند «ان للقائم غیبة قبل ان یقوم انه یخاف (واوما الی بطنه یعنی القتل)» که یکی از ادله غیبت این است که جان امام در خطر نباشد. لذا مسئله ازدواج امام با این فلسفه در تعارض است.

امام باید غائب باشد تا بیعت طاغوتی برگردنش نباشد. اگر امام با کسی بیعت کند، بیعت شکن نیست. لذا ازدواج حضرت با این دو فلسفه در تعارض است.

دومین دلیلی که وجود دارد این است که وکلای امام در دوران غیبت صغری که ۶۹ سال به طول کشید، هیچ یک به ازدواج امام و همسر و فرزند ایشان اشاره نکردند. این خود قرینه ای قوی است که این مسئله اتفاق نیفتاده باشد.

دلیل سوم این است که ما روایاتی داریم که صراحتاً به این مطلب اشاره کرده است که حضرت اولادی ندارند.

قاعده در اثبات امامت یک امام این است که امام باید حتماً فرزند پسر داشته باشد که امامت به نسل بعدی انتقال پیدا کند و چون امام رضا در طول ۲۰ سال امامت ۱۲ سال فرزند نداشتند، واقفیه آمدند و با استناد به این روایات می‌خواستند امامت حضرت را زیر سوال ببرند. علی ابن حمزه که رئیس واقفیه است به امام رضا می‌گوید: انا روینا ان الامام لا یمضی حتی یری عقبه؟ قال: فقال أبو الحسن (ع) : أما رویتم فی هذا الحدیث غیر هذا؟ قال: لا، قال: بلی والله لقد رویتم فیہ الا القائم و أنتم لا تدرن ما معناه و لم قیل، قال له علی: بلی والله ان هذا لفی الحدیث، قال له أبو الحسن (ع): ویلک کیف اجترأت علی بشئ تدع بعضه. ثم قال: یا شیخ اتق الله و لا تکن من الصادین عن دین الله تعالی.

یعنی ما روایت کردیم که امام (ع) از دنیا نمی‌رود؛ مگر اینکه عقبه خودش را ببیند، امام رضا (ع) فرمودند: آیا سخنی که من برای تو گفتم چیزی غیر از این بود؟ علی بن ابی حمزه گفت: نه، امام (ع) فرمودند: بله شما این را روایت کردید ولی نفهمیدید معنای این روایت چیست و چرا گفته شده «ان الامام لا یمضی حتی یری عقبه الا الفائم»، ابن ابی حمزه گفت: من نمی‌دانم، به خدا در حدیث چنین چیزی آمده است، امام رضا (ع) فرمودند: وای بر تو چطور جرأت می‌کنی برای من چیزی را بگویی که بعضی از آن را رها می‌کنی، سپس فرمودند: ای شیخ از خدا بترس و تقوای خدا را پیشه کن و از کسانی نباشد که جلو دین خدا را می‌گیرند.

لذا امام رضا در این روایت می‌فرماید هر امامی فرزند دارد مگر حضرت مهدی(عج).

راوی دیگری خدمت امام رضا می‌رسد و می‌گوید: «أنتَ إِمَامٌ قَالَ نَعَمْ فَقَالَ لَهُ إِيَّتِي سَمِعْتُ جَدَّكَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ لَا يَكُونُ الْإِمَامُ إِلَّا وَ لَهُ عَقِبٌ فَقَالَ أ تَسِيَّتَ يَا شَيْخَ أَوْ تَنَاسَيْتَ لَيْسَ هَكَذَا قَالَ جَعْفَرٌ إِنَّمَا قَالَ جَعْفَرٌ لَا يَكُونُ الْإِمَامُ إِلَّا وَ لَهُ عَقِبٌ إِلَّا الْإِمَامَ الَّذِي يَخْرُجُ عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ فَإِنَّهُ لَا عَقِبَ لَهُ فَقَالَ لَهُ صَدَقْتَ جَعْلَتُ فِدَاكَ هَكَذَا سَمِعْتُ جَدَّكَ يَقُولُ .

یعنی به امام می‌گوید: تو امام هستی؟ [او واقفی بوده است یعنی امامت حضرت رضا را قبول نداشت] فرمودند: بله؛ علی بن ابی حمزه می‌گوید از جدت امام صادق شنیدم که می‌گفت: امام نمی‌تواند باشد مگر کسی که ذریه داشته باشد. امام رضا فرمود: ای شیخ! فراموش کرده ای و یا خود را به فراموشی می‌اندازی؟ جدم اینگونه نفرموده بلکه فرموده: هر امامی ذریه دارد مگر آن امامی که در دورانش امام حسین رجعت می‌کند. علی ابن حمزه گفت: این جمله را هم جد شما فرموده بودند.

لذا امام رضا به این حدیث استناد کرده اند و بحث ایشان این بوده است که امام مهدی(عج) فرزند ندارند.

دلیل چهارمی که ما می‌توانیم مطرح کنیم این است که اساساً ما می‌دانیم جناب خضر ملازم امام است. ائمه ما فرمودند هرگاه اسم جناب خضر را آوردی ایشان به آن جلسه توجه می‌کنند لذا به وجود نازنین او سلام کنید. ایشان می‌تواند واسطه شما با امام عصر باشد.

لذا ماهیت جناب خضر را قرار داده اند تا ملازم امام زمان باشند تا تنهایی امام را به نوعی پر کنند. بحث این است که اگر امام زن و فرزند داشتند نباید بحث تنهایی ایشان مطرح می‌شد.

امام رضا فرمودند «ان الخضر شرب من ماء الحياة فهو حي لا يموت حتى ينفخ الصور و انه لياتيانا فيسلم علينا فنسمع صوته و لا نرى شخصه و انه ليحضر حيث ذكر فمن ذكره منكم فليسلم عليه و انه ليحضر المواسم فيقضى جميع المناسك و قف بعرفة فيؤمن على دعاء المؤمنين فسيؤنس الله به و حشة قائما في غيبته و يصل به وحدته»

یعنی خضر از آب حیات نوشید تا دمیدن صور نمی‌میرد او پیش ما می‌آید و بر ما سلام می‌کند، صدایش را می‌شنویم خودش را نمی‌بینیم، در هر جا نام او برده شود حاضر می‌شود، از شما هر کس اسم او را ببرد فوراً بر او سلام کند، موسم های حج حاضر شده مناسک حج را انجام می‌دهد، و در عرفا تن می‌ایستد و به دعاهای مؤمنین آمین می‌گوید، به زودی خداوند وحشت قایم ما را در زندان غیبتش با او از بین می‌برد، با آن حضرت مانوس می‌شود، او را از تنهایی درمی‌آورد غیبش با او از بین می‌برد، با آن حضرت مانوس می‌شود او را از تنهایی درمی‌آورد.

لذا اگر امام همسر و فرزند داشت نباید اشاره به تنهایی ایشان می‌شد.

دلیل پنجم دو تا از القاب امام است که حضرت امیرالمومنین فرمودند، یکی لقب فرید و یکی لقب وحید است.

اصبغ ابن نباته می‌گوید: «سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ الشَّرِيدُ الطَّرِيدُ الْقَرِيدُ الْوَحِيدُ» یعنی از امام یکم شنیدم می‌فرمود صاحب این امر شرید است و طرید است و فرید است و وحید.

هیچکدام از این دلایل متقن نیست و ما اینها را صرفاً به عنوان شاهد بیان می‌کنیم. اینکه ما بتوانیم به واسطه استناد به این روایات، قول های مطرح شده را اثبات کنیم، اینگونه نیست.

آخرین دلیلی که در زمره این موضوع بیان می‌کنیم این است که امام همواره حلقه ای سی نفره دارند که اوتادی اند که

واسطه های امام عصر هستند. اینها به واسطه امام انتخاب می شوند و تعداد آنها سی نفر است. هرگاه هر کس از آنها از دنیا رفت، امام نفر بعدی را انتخاب می کنند. این اوتاد هرگز جایی ادعا نکرده اند که ما واسطه با امام هستیم. مردم فکر نکنند که فلانی یا فلانی می تواند از اوتاد حضرت امام زمان باشند.

ممکن است امام به افرادی اظهار لطف بکنند که این امر توسط این سی نفر رخ خواهد داد.

امام صادق می فرماید: «لابد لصاحب هذا الامر من عزلة و لا بد فی عزلته من قوة، و ما بثلاثین من وحشة، و نعم المنزل طيبة» یعنی صاحب امر ناگزیر به یک کناره جویی و عزلتی است و آن خانه طیبه چه خانه خوبی است که به واسطه همراهی آن سی نفر وحشتی وجود ندارد.

یعنی این سی نفر کارگزاران حضرت در دوره غیبت کبری هستند. آن سی نفر زن و فرزند امام نیستند بلکه اصحاب امام هستند.

این ادله شش گانه ای که بیان کردیم حکایت از این دارند که گروه دومی که می گویند امام هسر و فرزند ندارند، بر این ادله تاکید دارند.

اما قول چهارم نظریه سکوت یا تردید است.

عده ای معتقدند که پرداختن به این مسائل به اصل اعتقاد ما لطمه ای نمی زند و ادله ای که مطرح می کنند می گویند ما نمی توانیم یک قول ثابتی را در نظر بگیریم.

ادله آنها از این قرار است که اولاً آنها مسئله را یک مسئله حاشیه ای می دانند و اظهار نظر در این مورد را جدی نمی دانند. دلیلی دوم آنها این است که در منابع قدیمی ما اصلاً از این مسئله بحثی نشده و این بحث سابقه ای چهل ساله دارد. لذا تا هزار سال قبل مطرح نشده و مشکلی هم نبوده است لذا از این به بعد هم مشکلی نخواهد بود.

نظر سوم این است که می گویند، ادله هر دو طرف چه آنانکه موافقند و چه آنانکه مخالفند، در آن حد از اعتبار نیست که بتوان تکلیف این مسئله را روشن کرد. بسیاری از روایات مرسل است یا راویان مجهول دارد.

چهارمین دلیل آنها این است که می گویند این روایات ضعف سندی دارد و با هم معارض هستند و رجحان نمی توان پیدا کرد. تعداد روایت های موافقین بیشتر است اما این مسئله اطمینان آور نیست.

به استناد این چهار مسئله، عده ای در مورد بحث اینکه امام همسر و فرزندی دارند یا نه، سکوت می کنند.

این مسئله که آیا امام همسر و فرزندی دارند یا نه؟ در چهل سال پیش به شکل یک مقاله ظهور و بروز پیدا کرد و بعدها شهیدبزرگوار سیدمحمد صدر صاحب کتاب تاریخ الغیبه الکبری، از این مسئله یاد کرده اند.

در آن مقاله به ۸ روایت از بحار اشاره می شود که «خلفاءالمهدی و اولاده و ما یکون بعده» است. این ۸ روایت بیشتر بر جانشینی امام دلالت می کند نه اینکه حضرت اولاد دارد یا ندارد.

مرحوم شهید صدر در کتابش مسئله را از جهت قواعد عامه و اخبار مورد بررسی قرار می دهد. او می گوید از جهت قواعد عامه منعی وجود ندارد که حضرت، همسر داشته باشند. لذا می گوید قواعد عام نشان می دهد که امام ازدواج کرده ولی فرزند ندارد. چون قواعد کلیه می گوید امام باید محافظ سنت ها باشد. اما فرزند داشتن امام را با همان قواعد کلی نمی توان اثبات کرد.

شهید صدر می گوید از جهت اخبار، مسئله قابل استناد نیست یعنی به روایتی نمی توان در این مورد استناد کرد.

مسئله دوم از سلسله مباحث عمومی این است که امام در کجا زندگی می کنند که این را در جلسات بعدی دنبال خواهیم کرد.